

ماری اندیای

سه زن توانمند

مترجم: مرضیه کردبچه

www.ketab.ir

تیما

سرشناسه: ندی، ماری، ۱۹۶۷ - م. NDiaye, Marie
عنوان و نام پدیدآور: سه زن توانمند/ماری اندیای، مترجم مرضیه کردبچه
مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۴۵۵-۴
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Trois femmes puissantes : roman, c2009
موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۱م.
موضوع: French fiction -- 21st century
شناسه‌ی افزوده: کردبچه، مرضیه، ۱۳۶۴ - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ س ۹ / ۵۹ PQ ۲۴۸۳ رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۱۴۱۳۹

ماری اندیای سه زن توانمند مترجم: مرضیه کردبچه

نشر: نیماژ / دبیر تحریریه: اصغر نوری
ویراستار: تحریریه‌ی نیماژ / صفحه‌آرا: یاسمین حشدری
طراح: احسان کار
لیتوگرافی: تیج / چاپ و صحافی: کهنمویی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ / پیراژ: ۸۰۰ نسخه
ISBN 978-600-367-455-4

نشر نیماژ

فروشگاه مرکزی: خیابان کریم‌خان زند، خیابان خرمند جنوبی، نیش
کتاب‌فروشی مرکزی نیماژ / تلفن: ۸۸۸۴۲۰۶۰
فروشگاه: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۵۷۱
تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵
دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای واندلر مری،
شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۱۱۲۵۵
حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است
اینستاگرام: Nimajpublication
Site: www.nimaj.ir Email: nashr.nimajh@gmail.com
۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

مقدمه‌ی مترجم

ماری اندیای^۱، چهارم ژوئن ۱۹۶۷ در پیتیویر^۲ جنوب شهر پاریس به دنیا آمد. مادرش که فرانسوی و استاد علوم طبیعی دانشگاه بود، او و تنها برادرش را به تنهایی بزرگ کرد. زیرا پدر سنگالی^۳، قبل از این که ماری یک ساله شود فرانسه را به مقصد آفریقا ترک کرده بود.

پس از اجرای نمایشنامه‌ی بابا بید غذا بخورد^۴ روی صحنه‌ی «کمدی فرانسه»، معتبرترین تئاتر پاریس، و دریافت جایزه‌ی «استعداد جدید نمایشنامه‌نویسی»^۵ در سال ۲۰۰۳ از انجمن نویسندگان کارگردانان نمایشی، رمان رزی کارپ^۶ در سال ۲۰۰۱ جایزه‌ی فمینا^۷ را برای ریشوند، به ارمغان آورد. در سال ۲۰۰۹، با نگارش رمان سه زن توانمند^۸، و در اتفاق سم‌سابقه‌ی همان نخستین دور انتخابات، نظر اکثریت اعضای آکادمی گنکور^۹ را به خود جلب کرد.

1. Marie NDiaye

2. Pithiviers

3. Papa doit manger

4. Prix Nouveau Talent Théâtre de la SACD.

5. Rosie Carpe

6. Prix Fémina

7. Trois femmes puissantes

8. Goncourt

و به این ترتیب به عنوان اولین زن سیاه‌پوست این جایزه را به خانه برد.

رمان، شامل روایت مستقل سه زن است: نورا، فانتا، کادی، که هریک به شیوه‌ی خود، سرنوشتش را میان فرانسه و داکار پی می‌گیرد و با وجود همه‌ی ترس‌ها و تردیدها و نگرانی‌ها، در برابر آنچه شرایط تحقیرآمیز زندگی بر او تحمیل می‌کند، برای حفظ شرافتش می‌جنگد. اندیای بار دیگر قلم جادویی خود را به کار می‌گیرد تا خواننده را در پیچ و خم جملات طولانی و ساختارهای پیچده‌ی زبانی و روایی به دام اندازد و او را در این کشتی سرانجام شخصیت‌های کاغذی‌اش به دنبال خود بکشد.

در داستان اول، پدر نورا که او و خواهرش را رها کرده و با دزدیدن برادر کوچک‌شان به ساکن گریخته، پس از سال‌ها نورا را که حالا بدون حمایت او وکیل موفقی است، به این کشور فرا می‌خواند تا از برادر متهم به قتلش دفاع کند.

داستان دوم بر بایس این کشور بنا شده که اشتباه رودی چه بوده که زندگی‌اش این چنین از هم گسیخته شده است، در حالی که همسرش فانتا که کودکی و نوجوانی سختی را گذرانده و پدرش سورس استاد موفقی در ادبیات شود و پس از مهاجرت به فرانسه تمام فرصت‌های طلایی‌اش را از دست داده، هنوز زن قدرتمندی است که اداره‌ی زندگی را در دست دارد.

سومین داستان، روایت سرنوشت پرفراز و فرود کادی دمباست، بیوه‌ی نازایی که پس از مرگ همسر از خانواده‌ی شوهر رانده و مجبور می‌شود نزد یکی از اقوام به نام فانتا (که در داستان قبلی استاد ادبیات است) برود و مهاجرتش ماه‌ها و شاید سال‌ها طول می‌کشد.

کادی که در داستان اول خدمتکار خانه‌ی پدر نورا است، شخصیت پیونددهنده‌ی این سه داستان است. اما نقطه‌ی اشتراک این سه داستان، مسئله‌ی مهاجرت است، گویا این سه زن، سه سرنوشت ممکن و متفاوت زنی مهاجر را بازنمایی می‌کنند.

اما پیش از پرداختن به اثر، رفع سوءتفاهماتی درباره‌ی هویت فرهنگی نویسنده

ضروری به نظر می‌رسد. برخی به اشتباه، ماری اندیای را نویسنده‌ای آفریقایی و فرانسه‌زبان تلقی می‌کنند، و برای تفسیر آثار او به سنت ادبی آفریقا رجوع می‌کنند. حال آن‌که به تأکید دومینیک راباته^۱، زیربنا و افق ادبی او از ادبیات آفریقایی فرانسه‌زبان بسیار دور است. در واقع اندیای که تا بیست و یک سالگی حتی پدر را ندیده و کودکی‌اش را در فرهنگ فرانسوی و با آموزش فرانسوی گذرانده، از تبار آفریقایی‌اش تنها نام و رنگ پوست را به ارث برده است. وقتی سرانجام دهمین رمانش را در فضایی فرانسوی-آفریقایی خلق می‌کند، به این تردیدها درباره‌ی تعلقش به فرهنگ آفریقا دست می‌زند. اما در مصاحبه‌ای به مناسبت انتشار همین اثر، افسوس می‌خورد که به وحدت شرایط مناسبی که داشته، دوفرهنگی نیست و حالا در چهل و دو سالگی دیگر رای آمرختن و جذب فرهنگ دوم خیلی دیر است.

اندیای این رمان را به سه دخترش لورن، سیلور و روماریس هدیه کرده است. هرچند مانند اغلب رمان‌هایش، نشانه‌هایی از اشاره به زندگی‌نامه‌ی خودش، مانند رابطه‌ی نورا با پدرش در داستان او یا زندگی کردن در ژیروند، وجود دارد، اما همه‌ی این‌ها در فهم و تفسیر رمان ناکارآمد است.

باید در نظر داشت که اندیای در این اثر همان‌قدر به زندگی‌نامه و فرهنگ آفریقایی است، که در سایر آثارش به فرهنگ و اسطوره‌شناسی و مذهب شرق و غرب.

آن‌چه اندیای برای سرنوشت این سه زن مهاجر نشان می‌دهد، حکایت رنج تمام زنان توانمندی است که در دنیای نابرابری‌ها، برای حفظ شرافت و برای بهتر زیستن، دست از تلاش نمی‌کشند. زنان توانمندی که در پیروزی‌ها سها روی پای خود ایستاده‌اند و اگر شکست خورده‌اند، قربانی دنیایی پر از بی‌رحمی و نابرابری بوده‌اند.

نثر اندیای، در این رمان نیز، مانند آثار قبلی او، نثری دشوار و پیچیده است. او که خواننده‌ی حرفه‌ای آثار بزرگان ادبیات، همچون پروست، کافکا و جویس است، خود را بیش از همه وامدار سبک نوشتاری فاکتر می‌داند. شاید بتوان در نخستین رمان‌های او تأثیر کافکا و پروست را در فضای مالیخولیایی و جملات طولانی به وضوح مشاهده کرد. اما نویسنده، در این اثر بیش از پیش به سبک خاص نوشتار خود نزدیک می‌شود. در سه زن توانمند، سبک نوشتار، درست مانند زندگی سخت و پیچیده‌ی شخصیت‌ها، نثری کند، سنگین و نفس‌گیر است و خوانندگان رمان به آن دسته از خوانندگانی که در ادبیات صرفاً به دنبال سرگرمی و گذران وقت‌اند، توصیه می‌شود. برای لذت بردن از خواندن رمان‌های اندیای، خواننده به ذهنی بیدار و پرنیاز در رستاواژه‌ها و جملات را تک به تک در کنار هم پی‌بگیرد، از خلال گفت‌وگوها و روایات به لایه‌های ذهنی شخصیت‌ها سفر کند و آن‌ها را در سرنوشت پرفراز و نشیب‌شان همراهی کند.